

فاطمه(س) و رسالت های اجتماعی



<http://eitaa.com/bastefarhangi>

حضرت زهرا سلام الله علیها در این دنیا عمر زیادی نکرد و قسمت عمده زندگانش همراه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بود. طبیعی است با وجود آن دو بزرگوار - خصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - جایی برای درخشش شخصیت دیگری نخواهد بود، آن هم در عصری که هنوز نگاه به زن نگاهی منفی، و عرصه ای برای تجلی توانمندیهای مثبت و مفید زنان کارآمد وجود نداشت.

البته تعالیم عالییه اسلام و آموزه های علمی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به شخصیت دادن به زن توانست زمینه ساز رشد و شکوفایی شخصیت این قشر از انسان باشد. بانوی بزرگوار اسلام که در چنین مکتبی پرورش یافته است و خود نیز از علم و آگاهی و معرفت بالایی برخوردار است، توانست در عمر کوتاه خود، در عرصه های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام درخشش نماید و منشأ خیر و برکت برای تمام بشریت باشد.

بخشی از فعالیت های اجتماعی آن بانوی گرانقدر را می توان در موارد زیر تبیین کرد:

۱. مرجعیت فکری، فرهنگی

در اینکه حضرت زهرا علیهاالسلام در بین جامعه آن روز مورد مراجعه مردم بود و در امور مختلف اجتماعی نقش داشت، شکی نیست. چنانکه علامه سید جعفر مرتضی عاملی می نویسد:

«تاکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتار و رفتار، به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا علیهاالسلام سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنانکه منزل ایشان پایگاه و پناهگاهی برای کسان زیادی بود که به آنجا رفت و آمد می کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلش رفت و آمد داشتند.» (۱)

الف. بیان احکام شرعی بانوان

زنان مدینه خدمت آن حضرت می رسیدند و پرسشهای شرعی خود را از محضرش می پرسیدند و ایشان نیز با صبر و حوصله به پاسخ آنها می پرداخت؛ چنانکه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

زنی به حضور فاطمه علیهاالسلام رسید و عرض کرد، من مادری ناتوان دارم که نسبت به مسائل و احکام نماز دچار شبهه و اشتباهی شده است، مرا نزد شما فرستاده تا آنرا بیپرسم. حضرت به پرسش او پاسخ گفت. وی مسئله ای دیگر پرسید و حضرت پاسخ گفت. پرسش سومی مطرح کرد و همین طور تا ده پرسش را مطرح کرد و حضرت نیز پاسخ گفتند. آن زن از اینکه پرسشهایش زیاد شد خجالت کشید و عرض کرد ای دختر پیامبر! شما را زحمت ندهم. حضرت فرمودند: هر وقت خواستی بیا و هر چه می خواهی بیپرسم... (۳)

ب. حل اختلاف در مسائل دینی

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

دو زن که در یکی از مباحث دینی با هم اختلاف داشتند، خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام آمدند. بحث آن دو به نزاع و دعوا کشید، یکی از آن دو با ایمان بود و دیگری معاند و مخالف با اسلام. حضرت به زن مسلمان در گفتن دلایل و ادله خود کمک کرد تا بتواند مطالب حق خود را ثابت کند. او که توانست حرف خود را اثبات کند، از این جهت خیلی خوشحال شد. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: «إِنَّ فَرْحَ الْمَلَائِكَةِ بِاسْتِظْهَارِكِ عَلِيَّهَا أَشَدُّ مِنْ فَرْحِكِ وَإِنَّ حُزْنَ الشَّيْطَانِ وَ مَرَدَّتِهِ بِحُزْنِهَا أَشَدُّ مِنْ حُزْنِهَا؛ (۴) خشنودی فرشتگان از پیروزی تو بر او بیش از خشنودی تو می باشد، چنانکه غمگین شدن شیطان و پیروانش بیش از ناراحتی و حزن آن زن می باشد».

ج. بیان معارف الهی

از رسالت‌هایی که آن حضرت در اجتماع آن روز خود را عهده دار آن می دانست، بیان معارف الهی بود؛ هر چند حوادث بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کوتاهی عمر آن حضرت، جامعه را از کسب فیض بیشتر محروم ساخت.

ابن مسعود از بزرگان اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گوید:

مردی به نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و عرض کرد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نزد شما گذاشته است که من نیز از آن بهره مند شوم؟ آن حضرت به خدمتکار منزل فرمود که برود آن دستمال ابریشمی را بیاورد. او هر چه به دنبال آن گشت آن را پیدا نکرد، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: حتما آن را پیدا کن؛ زیرا به اندازه حسن و حسین علیهما السلام برایم ارزش دارد. خدمتکار پس از جستجو آن را پیدا کرد، در آن صحیفه و نوشته ای بود که بر آن چنین نوشته شده بود:

«قال محمد النبي صلى الله عليه و آله : لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بَوَائِقِهِ. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ. وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْخَيْرَ الْخَلِيمَ الْمُتَعَفِّفَ وَ يَبْغِضُ الْفَاحِشَ الضَّنِينِ السَّئَالَ الْمُلْحِفَ. إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبَدَاءِ وَ الْبَدَاءُ فِي النَّارِ: (۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد از مؤمنان نیست. هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد همسایه اش را آزار ندهد. کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا سخن نیکو بگوید یا سکوت کند. همانا خداوند انسان نیکوکار بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان زشت کار بخیل و بسیار سؤال کننده و پررو را مبعوض دارد. همانا حیاء از ایمان است و ایمان نیز در بهشت جای دارد و فحش [و ناسزاگویی] از بی حیایی است و [آدم] بی حیا در آتش است.»

در مواردی بعضی از مؤمنان همسران خود را خدمت آن بانوی بزرگ می فرستادند تا پرسشهای خود را از محضر آن بزرگوار بپرسند، چنانکه مردی همسرش را فرستاد تا به نزد حضرت برود و از ایشان بپرسد که آیا او از شیعیان و پیروان شما می باشد یا خیر؟ او به حضور حضرت آمد و چنین پاسخ شنید که به شوهرت بگو: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَ تَنْتَهِي عَمَّا رَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَإِلَّا فَلَا؛ اگر به آنچه که به شما امر کرده ایم عمل می کنی و از آنچه که نهی کرده ایم دوری می کنی، از شیعیان ما هستی وگرنه خیر.»

مرد بعد از شنیدن پاسخ آن حضرت مضطرب شد و به خود گفت: وای بر من، چه کسی پیدا می شود که از گناه و خطا به دور باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود؛ زیرا هر کس از شیعیان آنان نباشد در آتش جهنم جاودان است.

همسرش به حضور حضرت برگشت و سخنان شوهر را بازگو کرد. حضرت فرمودند:

«قُولِي لَهُ لَيْسَ هَكَذَا، شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلُّ مُحَبِّبِنَا وَ مُوَالِي أَوْلِيَانَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا. لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَ نَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُؤَبَّهَاتِ وَ هُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَ لَكِنْ بَعْدَمَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَ الرِّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَابِهَا إِلَى أَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنَا وَ نُنْقِلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا؛ (٦)

٢. در عرصه سیاست

در اوایل بعثت، حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع و حمایت از آن حضرت از مهم ترین رسالتهای جامعه نو پای اسلام و وظیفه خطیر کسانی بود که علیرغم مشکلات و تنگناهای موجود به حقانیت پیامبر و آیین او ایمان آورده بودند. تعداد انگشت شماری نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی، سیاسی و تواناییهای دیگر خود، بیشتر به این امر می پرداختند که از جمله آنها حضرت زهرا علیها السلام بود. بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با پیش آمدن حوادث ناگوار، این رسالت ابعاد دیگری به خود گرفت و از جمله آنها، حمایت و دفاع از امامت و جانشینی به حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. تنی چند از مسلمانان راستین و بیشتر از همه آنها بانوی عالی مقام جهان اسلام بود که در انجام این رسالت نهایت تلاش را نمود. الف. دفاع و حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رسول خدا از هنگامی که به رسالت مبعوث شدند تا زمانیکه به مدینه هجرت کردند، در مکه مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند. بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق و تحریک مردم و حتی کودکان به اذیت و آزار پیامبر، خود نیز به طور مستقیم از هیچ تلاشی در این کار دریغ نداشتند. گاهی خاک بر سر پیامبر می ریختند و زمانی سنگ بارانش می کردند و یا در کنار کعبه و هنگام نماز، شکنجه حیوانات بر سر و پشت حضرت می گذاشتند. در این دوران مردانی مانند حمزه سیدالشهداء، به دفاع از پیامبر بر می خاستند؛ اما تاریخ نام بانویی بزرگوار که در آن وقت بین ۵ تا ۸ سال بیشتر نداشته است را نیز در کنار مدافعان پیامبر ضبط و ثبت کرده است، (۷) او علاوه بر اینکه در منزل و خصوصاً بعد از رحلت مادر بزرگوارش خدیجه پرستاری پدر را نیز بر عهده داشت، بیرون از منزل نیز همیشه مراقب پدر بود.

ابوبکر بیهقی می نویسد: روایت شده است که مشرکان قریش در حجر اسماعیل گردآمده بودند و می گفتند: چون محمد صلی الله علیه و آله عبور کند، هر یک از ما به او ضربه ای خواهیم زد و چون فاطمه این را شنید پیش مادر رفت و سپس این مطلب را به اطلاع پیامبر رساند... (۸)

عبدالله بن مسعود می گوید: با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار کعبه بودیم، حضرت در سایه خانه خدا مشغول نماز بود، گروهی از قریش و از جمله ابوجهل در گوشه ای از مکه چند شتر نحر کرده بودند، شکنجه آنها را آوردند و بر پشت پیامبر گذاشتند، فاطمه علیها السلام آمد و آنها را از پشت پدرش برداشت. (۹)

ب. دفاع و حمایت از امام علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام مقام و موقعیت و جایگاه امام علی علیه السلام را خوب شناخته بود و از تواناییهای ذاتی و خدادادی و شایستگیهای ایشان نیز مطلع بود. (۱۱) دیدگاههای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نسبت به امام به صورت مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت امام علی علیه السلام می دانست (۱۲) و جایگزین دیگری را با وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی دید. از اینرو برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام علیه السلام و مقام امامت بر نداشت.

در بیعت با خلیفه اول سه گروه از قبول بیعت با ابوبکر امتناع کردند:

اول: گروه انصار، که در سقیفه حضور داشتند و هر چند در ابتدا از بیعت با ابوبکر خودداری کردند، ولی مسائلی موجب شد تا بیشتر آنها در همان جلسه به ابوبکر دست بیعت دهند.

دوم: بنی امیه و در رأس آنها ابوسفیان، که منتظر رسیدن به پست و مقام و منصب بودند و در عصر جاهلیت، مقداری از آن برخوردار بودند.

سوم: بنی هاشم و تعدادی دیگر از مسلمانان مانند عمار، سلمان، مقداد و ابوذر و دیگران.

مشکل انصار تا حد زیادی به نفع خلیفه حل شد، بنی امیه نیز با تطمیع مالی و مقام و منصب حکومتی بیعت کردند؛ اما مشکل بنی هاشم همچنان باقی بود، هر چند حزب حاکم در جلب رأی و نظر آنان نیز تلاش زیادی کرد و حتی چند شب بعد از بیعت در سقیفه به منزل عبدالله بن عباس رفتند و پیشنهاد پست و حکومت به او و دیگر افراد خانواده اش را داده اند اما مورد قبول او قرار نگرفت و ابن عباس مسئله را به امام علی علیه السلام واگذار کرد و هیچ یک از بنی هاشم - تا امام بیعت نکرد - دست بیعت به ابوبکر ندادند. و تا حضرت زهرا زنده بود، امام نیز بیعت نکرد. به همین جهت حزب حاکم چاره دیگری اندیشید و به فکر تهدید افتاد. (۱۳)

صحبت کرد و فرمود:

«أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ مَاذَا تَقُولُونَ وَ أَيْ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ يَا عَمْرُأ مَا تَتَّقِي اللَّهَ؟ تَدْخُلُ عَلَيَّ بَيْتِي؟ أَبِحْزْبِكَ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفُنِي وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا؛ (۱۵) ای گمراهان و دروغگویان چه می گوئید و چه می خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزبت که حزب شیطان است مرا می ترسانی، در حالی که حزب شیطان ناتوان است.»

و هنگامی که امام علیه السلام را با زور به طرف مسجد می بردند، حضرت زهرا علیها السلام با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام علیه السلام رساند و فرمود:

«وَاللَّهِ لَا أَدْعُكُمْ تَجْرُونَ ابْنَ عَمِّي ظُلْمًا؛ (۱۶) به خدا سوگند نمی گذارم پسر عموی مرا [ظالمانه به سوی مسجد] بکشانید.»

و بعد از آنکه امام علیه السلام را آنچنان به مسجد بردند، حضرت وارد مسجد شد و با تهدیدی جدی فرمود:

«خَلُّوا عَن ابْنِ عَمِّي فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِن لَّمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى رَأْسِي وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ (۱۷) پسر عمویم را رها کنید. قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را بر حق برانگیخت، اگر از او دست برندارید گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر سرافکنده و در برابر خدا فریاد خواهم زد.»

و هنگامی که سلمان فارسی با اشاره امام علیه السلام از آن بانوی بزرگوار خواست تا نفرین نکند و به منزل برگردد، خطاب به سلمان این چنین فرمود:

«يُرِيدُونَ قَتْلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا عَلِيٌّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَبْرًا؛ (۱۸) می خواهند علی علیه السلام را به قتل برسانند و [من] بر قتل علی علیه السلام صبر ندارم.»

خلیفه و دیگران که مرعوب دفاع و حمایت جدی آن بانوی بزرگوار از امام علیه السلام شدند، به ناچار امام علیه السلام را آزاد کردند و حضرت زهرا با دیدن امام علیه السلام به او چنین عرض کرد:

«رَوْحِي لِرَوْحِكَ الْفِدَاءِ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَاءِ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ إِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ؛ (۱۹)

ج. اعتراض و انتقاد

آن حضرت می دید که با خروج رهبری امت از محور خود چه بسا ممکن است امور مهم دیگری نیز دچار این آفت شود و هر گونه ساکت ماندن نوعی تایید بر کارهای ناروا باشد و چه بسا حتی برای همیشه کاری قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدعیان خلافت تلقی گردد. بدین جهت حضرت زهرا علیهاالسلام در مواردی مخالفت خود را با اعتراض و انتقاد و شکوه به اثبات رساند.

- اعتراض به غصب فدک

بعد از آنکه حضرت چند بار برای گرفتن فدک (۲۰) - که حق آن حضرت بود - به خلیفه اول مراجعه کرد (۲۱) و او نیز با استناد به حدیثی که کسی غیر از او آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشنیده و نقل نکرده است و بعد از استناد حضرت زهرا به آیاتی از قرآن و بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی شهادت شاهدان، از بازگرداندن فدک به آن حضرت خودداری کرد، آن بانوی بزرگوار به اعتراض چنین فرمود:

«وَاللَّهِ لَادْعُونَ اللَّهََ عَلَيْكَ وَاللَّهِ لَا أَكَلَمُكَ بِكَلِمَةٍ مَا حَيَّيْتُ؛ (۲۲) سوگند به خدا تو را نفرین می کنم و بخدا قسم تا زنده هستم با تو یک کلمه سخن نخواهم گفت».

- اعتراض به یورش به خانه حضرت

بعد از آنکه تعدادی به درب منزل حضرت علی علیه السلام آمدند و با تهدید خواستند امام علیه السلام را با اجبار به بیعت وادارند و یا متعرض اهل خانه شوند و خانه را به آتش بکشانند - که متأسفانه این کارها نیز به انجام رسید (۲۳) - حضرت زهرا علیهاالسلام در مسجد و خطاب به خلیفه اول فرمود:

«یا ابا بکر! ما أَسْرَعُ ما أَعْرَضْتُمْ عَلَي أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ اللَّهُ لَا أَكَلَمُ عُمَرَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ؛ (۲۴)

ای ابوبکر! چه زود کینه های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردید، سوگند به خدا تا زنده ام با عمر سخن نخواهم گفت».

- اعتراض به بی حرمتی به امام علیه السلام

بعد از آنکه امام علی علیه السلام را به طرز نامناسبی به مسجد بردند، حضرت زهرا علیهاالسلام خود را به مسجد رساند و اعتراض خود را به مهاجمان و دیگر کسانی که آنجا بودند ابلاغ کرد. از جمله خطاب به خلیفه دوم که نقش اصلی را در این کارها داشت فرمود:

«طُعْيَانُكَ يَا عَمْرٍ أَوْخَرَجَنِي الزَّمَكَ الْحُجَّةَ وَكُلَّ ضَالٍّ غَوَى. أَمَا وَاللَّهِ يَا بْنَ الْخَطَابِ لَوْلَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ لَعَلِمْتُ أَنِّي سَأَقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْإِجَابَةِ: (٢٥)

- اعتراض به مردمان ساکت و خاموش

فرازهایی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه گواهی گویا بر این مطلب است. آن حضرت با دلی پر خون از حوادث ناگوار پیش آمده، با زبان شکوه و اعتراض خطاب به انصار فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ النَّقِيبِيَّةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ (٢٦)

همسایه اش را آزار ندهد.

در مورد حق من چیست؟ و چرا در برابر دادخواهی من سهل انگارید؟»

در فراز دیگری ضمن بیان علت‌های سستی و تساهل مردم فرمودند:

«أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَخَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ وَنَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيْقِ بِالسَّعَةِ فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ وَدَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ: (٢٧)

بردید، استفراغ کردید».

- اعتراض به عملکرد خلیفه اول و دوم

در روزهای آخر عمر حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که آندو با اجازه امام علی علیه السلام به ملاقات آن بانوی بزرگوار رفتند، آن حضرت صورت خود را به سوی دیوار برگرداند و از آنان پرسید: شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شنیده‌اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَايَ وَسَخَطُ فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي؛

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است، رضایت فاطمه از رضایت من و خشم فاطمه از خشم من است».

گفتند. آری شنیدیم.

حضرت فرمودند:

«فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنْكُمَا أَسْخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَانِي وَ لَئِن لَّقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا شَكُوكُمْآ إِلَيْهِ: (۲۸)

کنم شکایت شما را نزد او خواهم برد.»

۳. با همسایگان

حضرت زهرا علیها السلام که تربیت یافته مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، نسبت به همسایگان توجه خاصی داشت. برخی از موارد توجهات حضرت زهرا علیها السلام درباره همسایگان را می توان در امور زیر جستجو کرد.

الف. دعا در حق همسایگان

امام حسن علیه السلام چنین نقل می کنند: «رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْثُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ. فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارُ: (۲۹)

امام صادق علیه السلام نیز این سیره و روش حضرت را چنین بیان فرموده است:

«كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا فَقَالَتْ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ: (۳۰) فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ چنين بود كه هر گاه دعا مي كرد، براي مردان و زنان مؤمن دعا مي كرد ولي براي خودش دعا نمي كرد. به او گفته شد: [و از او علت اين ماجرا سؤال شد]، پس فرمود: همسايه و سپس خانه.»

چنانکه از حدیث امام حسن مجتبی علیه السلام بر می آید، حضرت زهرا علیها السلام هنگام دعا برای همسایگان، آنها را با نام دعا می کرده است و این بیانگر ارتباط آن بانوی بزرگوار با مردم و همسایگان می باشد.

ب. سرکشی و کمک به همسایه ها

حضرت زهرا علیها السلام هم به عیادت مریضهای همسایه می رفت و هم به جهت تعزیت و تسلیت در مورد اموات آنها در بعضی از مجالس شرکت می کرد، چنانکه نوشته اند:

«كَانَتْ تَعُودُ مَرْضَاهُمْ»؛ (۳۱) از مریضهایشان عیادت می کرد.»

در سیره آن بانوی گرانقدر آمده است:

حضرت زهرا علیهاالسلام فقیران و بینوایان را اطعام می داد و به همسایگان مستضعف خود رسیدگی می کرد و به زنان و اطفال مخصوصاً یتیمان توجه می کرد و به آنها رسیدگی می نمود و غذا می داد تا جاییکه اثر گرسنگی بر صورت مبارکش آشکار می شد. (۳۳)

۴. ایثار و انفاق

با هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، مسلمانان و پیروان حضرت نیز به این شهر مهاجرت کردند، تنگناهای اقتصادی و سیاسی مسلمانان را در شرایط بسیار سختی قرار داد، انصار هر چه داشتند به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در نهایت اخلاص و فداکاری با مهاجران تقسیم کردند، غنیمتهای جنگی نیز که گاهی به دست می آمد آنقدر نبود که نیاز جامعه نو پای اسلام را بر طرف سازد، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله مسلمانان و فقرای مسلمان را بر خود و خانواده و بستگانش ترجیح می داد، و علی و فاطمه علیهماالسلام نیز در اجرای این رسالت اخلاقی، اجتماعی بیش از توان معمول بر خود سخت می گرفتند. آنها علاوه بر تحمل مشکلات طاقت فرسا، در ایثار و انفاق نیز بر همه پیشی گرفته بودند.

خانه فاطمه علیهاالسلام محل مراجعه نیازمندان و فقیران بود، هر کس به آنجا مراجعت می کرد ناامید برنمی گشت، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در موارد زیادی نیازمندان را به ایشان ارجاع می داد. (۳۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا أَجِدُكَ شَيْئًا، انْطَلِقْ إِلَى مَنْزِلِ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، يُؤْتِرُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، انْطَلِقْ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ»؛

«چیزی برای تو نمی یابم، به در خانه کسی برو که هم او خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست دارند، او خدا را بر خودش مقدم می دارد، برو به خانه فاطمه علیهاالسلام.»

آنگاه پیامبر به بلال فرمود که او را به منزل فاطمه علیهاالسلام برسان. بلال با او آمد و قضیه را به عرض زهراى مرضیه علیهاالسلام رساند. حضرت زهرا علیهاالسلام گردن بندی را که دختر عمویش فاطمه دختر حمزه سیدالشهداء به او هدیه داده بود، از گردن درآورد و به آن مرد فقیر داد و فرمود: «خُذْهُ وَبِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يُعَوِّضَكَ بِهِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ»؛ (۳۷) این را بگیر و بفروش. امید است خداوند در مقابل آن چیزی به تو دهد که از آن بهتر است.» همچنین ابن عباس نقل می کند:

سلمان فارسی برای آنکه چیزی خانه فاطمه علیهاالسلام محل مراجعه نیازمندان و فقیران بود، هر کس به آنجا مراجعت می کرد ناامید برنمی گشت، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در موارد زیادی نیازمندان را به ایشان ارجاع می داد.

برای عرب تازه مسلمان شده ای تهیه کند به خانه زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفت اما چیزی نیافت، چشمش به خانه حضرت زهرا علیهاالسلام افتاد و با خود گفت: اگر خیری باشد از خانه فاطمه علیهاالسلام، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود. رفت و در خانه آن حضرت را کوبید و قضیه را به عرض ایشان رساند. آن حضرت فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعِمْنَا وَإِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَدْ اضْطَرَبَا عَلَيَّ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ ... وَلَكِنْ لَا أَرُدُّ الْخَيْرَ إِذَا نَزَلَ الْخَيْرُ بِبَابِي؛ سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق به پیامبری برانگیخت، سه روز است که چیزی نخورده ایم و حسن و حسین علیهاالسلام از شدت گرسنگی می لرزیدند [تا اینکه خوابشان برد...]. [اما خیری را که به در خانه ام آمده است برنمی گردانم]».

حضرت علیهاالسلام پیراهن خود را به سلمان داد تا ببرد و از شمعون یهودی مقداری خرما و جو بگیرد. سلمان آنها را گرفت و آورد. آن حضرت بلافاصله آنها را آسیاب کرد و نان پخت و به سلمان داد تا برای آن مرد فقیر ببرد. سلمان عرض کرد: یک قرص از این نانها را برای حسن و حسین بردارید. حضرت فرمودند: «يَا سَلْمَانَ هَذَا شَيْءٌ أَمْضِيْنَاهُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَسْنَا نَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئًا؛ (۳۸) اینها را در راه خدای عزیز و بزرگ داده ایم، چیزی از آن را بر نمی داریم».

منابع:

1. جعفر مرتضی العاملی، ماساء الزهراء، ص ۵۳؛ رک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۹۳ و ۱۹۷.
2. همان، ص ۵۴.
3. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳.
4. همان، ص ۸؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸، ح ۱۵.
5. دلائل الامامه، ابن جریر طبری، ج ۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۱؛ سفینه البحار، «انتشارات أسوه»، ج ۲، ص ۱۱۲.
6. بحارالانوار، چاپ ایران، ج ۶۸، ص ۱۵۵؛ نهج الحیاء، ص ۲۱۷، ح ۱۲۱.

7. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: دلائل النبوة، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۴۱ - ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۱۸، باب ۸ از ابواب معجزات پیامبر و باب ۱ از ابواب احوال آن حضرت.

8. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۳.

9. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۵۷؛ دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۴.

10. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۳.

11. برای آشنایی با ویژگیهای حضرت امام علیه السلام از نگاه حضرت زهرا علیها السلام ر.ک: خطبه حضرت در جمع زنان مدینه. برای استفاده از متن شرح و تفسیر دو خطبه آن حضرت که یکی را در مسجد مدینه و دیگری در جمع زنان مدینه ایراد فرمود، ر.ک: الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳ - ۲۹۳ و شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۰ به بعد و شرح خطبه حضرت زهرا، سید عزالدین زنجانی در دو جلد و قطره ای از دریا، علی ربانی گلپایگانی.

12. ویژگیها، آثار و برکات رهبری امام علیه السلام را در خطبه حضرت در جمع زنان مدینه ببینید، در ادامه بحث چند مورد در حد اشاره بیان خواهد شد.

13. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱ به بعد و ج ۶، ص ۵ - ۵۲؛ الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۲ - ۳۳؛ فروغ ولایت، جعفر سبحانی، بخش چهارم و پنجم، ص ۱۴۵ - ۱۹۳.

14. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بردن امام به مسجد جهت بیعت و اهانت به اهل بیت پیامبر و آتش زدن درب منزل حضرت زهرا علیها السلام ر.ک: فروغ ولایت، جعفر سبحانی، بخش چهارم، فصل سوم، ص ۱۷۹ - ۱۹۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۷ - ۴۹؛ امام علی بن ابی طالب، عبدالفتاح عبدالمقصود، ج ۱، فصل ۱۵، ص ۳۲۱ - ۳۲۸.

15. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸.

16. نهج الحیاء، ص ۱۵۲، ح ۶۸.

17. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۷؛ روضه کافی، ج ۸، ص ۲۳۸ با اندکی تفاوت.

18. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۷.

19. نهج الحياه، ص ۱۵۹، ح ۷۵.

20. جهت اطلاع بیشتر از فدک، ارزش و مقدار درآمد آن، چگونگی بخشش آن توسط پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله به فاطمه علیها السلام و سرنوشت آن و... ر.ک فروغ ولایت، جعفر سبحانی، ۱۹۵ - ۲۵۸ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۰ - ۲۸۶.

21. هدف اصلی حضرت زهرا علیها السلام از باز گرفتن فدک استفاده مادی از آن نبود، بلکه اثبات و احقاق حق خود بود؛ چون همان سالهایی نیز که فدک در اختیار ایشان بود، تنها به اندازه نیاز اولیه خود از آن بر می داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می کرد و تا هنگام رحلت پیامبر نیز این چنین بود. ر.ک: بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۱۸ به نقل از چشمه در بستر، ص ۲۶۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۶.

22. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

23. جهت اطلاع بیشتر ر.ک الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۹ - ۲۱۳.

24. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۹.

25. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۵.

26. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۹؛ دلائل الامامه، ص ۳۶.

27. همان، ص ۲۷۲ و ۲۷۳.

28. الامامه و السیاسة، ص ۱۳ و ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۶ و ج ۲۹، ص ۶۲۷ و ج ۴۳، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

29. همان، ج ۴۳، ص ۸۲ و ج ۸۶، ص ۳۱۳.

30. همان، ج ۹۰، ص ۳۸۸.

31. اعلموا انی فاطمة، ج ۴، ص ۵۳۴.

32. بحارالانوار (بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

33. ر.ک: اعلموا انی فاطمه، ج ۴، ص ۲۱۷. به نقل از فاطمة الزهراء، توفیق ابوعلم، ص ۱۳۰ و تفسیر کشف

زمخشری.

34. دهر/ ۷ - ۸؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷ به بعد.

35. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۵ و ج ۴۷، ص ۲۷.

36. مأساء الزهراء، ج ۱، ص ۵۴.

37. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۶ - ۵۸، ح ۵۰.

38. تفصیل این قضیه را ملاحظه کنید: بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۹ - ۷۵.